

دربارهٔ حدیث



«فاطمه (س) پارهٔ تن پیامبر گرامی (ص)»

◀ محمد حاج رسولی

از پیامبر (ص) دربارهٔ ابعاد شخصیت حضرت زهرا (س) مطالب فراوانی نقل شده است. فاطمه (س) دخت پیامبر اکرم (ص) در بین زنان عالم، معروف ترین و محبوب ترین چهرهٔ دینی، اخلاقی، ایمانی، علمی، ادبی و معنوی به شمار می آید. جاذبیت حضرت فاطمه (س) قلمروی بس وسیع دارد که پیش از زندگی او در این جهان شروع می شود و تا مرز ابدیت امتداد می یابد.

حضرت زهرا (س) در عمر کوتاه ولی پر برکت خود، عالی ترین درسهای زندگی را به انسانها آموخت و بهترین سرمشق و نمونه برای زنان جهان گردید.

فاطمه (س) در دوران زندگی بانویی از هر جهت نمونه و کامل بود. او دختری نمونه برای پدرش پیامبر (ص)، و همسری نمونه برای علی (ع) و مادری نمونه برای فرزندانش بود و بالاخره در تمام ابعاد وجود، زن نمونه ای برای عالم بشریت به شمار می آمد.



فاطمه (س) در زندگی خصوصی خویش، نمونه‌ای در حیا، عفاف، پاکدامنی، مهر، عاطفه، معرفت، ایمان و... بود و در زندگی اجتماعی نیز نمونه و الگویی از شهامت، شجاعت، فداکاری در راه حق و عدالت خواهی محسوب می‌شد و عاقبت در این راه به شهادت رسید.

حضرت زهرا (س) در صفات و روحیات گوی سبقت از مردان بزرگ ربوده و با کامل‌ترین مردان جهان یعنی علی (ع) همدوش و همسر گشته بود.

فاطمه زهرا (س) از اصحاب کسا و یاران مباحله است و از کسانی است که در سخت‌ترین اوقات با پیغمبر (ص) هجرت کرد و نیز از آنهاست که آیه تطهیر در شأنشان نازل شده و خدا به صدقشان گواهی داده است. فاطمه (س) مادر ائمه (ع) است و در بقای ذریه پیغمبر تا روز قیامت از برکت وجود اوست و او بانوی همه بانوان جهان است. چون فاطمه (س) بر پیغمبر (ص) وارد می‌شد، آن حضرت در مقابل او می‌ایستاد و دستش را می‌بوسید و او را به جای خود می‌نشاند و می‌گفت:

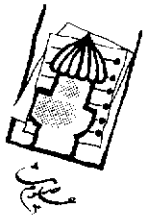
من هرگاه به بوی بهشت اشتیاق پیدا می‌کنم، زهرا (ع) را می‌بویم.

پیغمبر (ص) می‌گفت:

فاطمه پاره تن من است. هر که او را شاد سازد، مرا شاد ساخته و هر که او را اندوهناک کند، مرا اندوهناک کرده است. فاطمه از همه مردم پیش من عزیزتر است.

همه آنها برای شخصیت زهرا (س) یعنی برای صفاتی بود که فاطمه زهرا (س) داشت؛ زیرا قیمت هر کس به صفات و روحیات اوست. زهرا در علو صفات به حدی بود که پیامبر گرامی (ص) او را مادر (ام ابیها) می‌نامید. و می‌گفت:

زهرا (س) به صورت آدمی است و به معنا از حوریان بهشتی است. زهرا روحی است که میان دو پهلوی من است.



انسیه حورا سبب اصل اقامت اصلی که بیالید بدو نخل امامت
 نخلی که ز تولید قدش زاد قیامت گنجینه عرفان گهر بحر کرامت
 در باغ نبی طوبی افراخته قامت در ساحت بستان ولی سر و لب جو

* * *

مرآت خدا عالمه نکته توحید کش خیمه عصمت زده بر عرصه تجرید
 آن جلوه که بالذات برون است ز تحدید مولد محمد که بدان نادره تأیید

* * *

ای زاده انسان که به خویت ملک نیست از عشق تو برپاست به کونین هیاهو

* * *

من با تو به توحید دلی یکدله دارم از عشق تو برگردن جان سلسله دارم
 من قطره که از بحر فزون حوصله دارم از بحر عنایات تو چشم صله دارم

مرکز تحقیق و پژوهش علوم اسلامی

ای پای تو پهلو زده خورشید سما را بر فرق من خسته بسایان کف پارا
 در هر صفتی اعظم اسمای الهی اندر فلک قدرت نبود چو تو ماهی
 عالم همگی بنده شرمنده تو شاهی محتاج توایم از ره الطاف نگاهی

«فاطمه (ع) پاره تن پیغمبر (ص)»

پیامبر گرامی فاطمه (س) را بسیار دوست می داشت و به او احترام می نمود و از هر فرصت در معرفی این بانوی نمونه و عصاره هستی استفاده می کرد و حقایق و معارفی را در عظمت شخصیت فاطمه زهرا (س) مطرح می نمود. یکی از احادیثی که پیامبر گرامی (ص) درباره فاطمه (س) فرموده اند این حدیث است: «فاطمه پاره تن من



از طریق این حدیث بسیاری از فضایل و مناقب حضرت زهرا(س) مانند عصمت را می توان اثبات نمود.^۱ ما در اینجا به طور خلاصه مطالبی را درباره این حدیث شریف در چند قسمت مطرح می نمایم.

متن حدیث

پیامبر(ص) فرموده است:

فاطمة بضعة منی من سرّها فقد سرّنی و من ساءها فقد ساءنی، فاطمة اعزّ البریة
علی؛^۲

فاطمه پاره تن من است. هر که او را شاد سازد، مرا شاد ساخته و هر که او را اندوهناک کند، مرا اندوهناک کرده است. فاطمه از همه مردم پیش من عزیزتر است.

روش بزرگان درباره یک حدیث این است که نخست از سند و سپس از دلالت آن بحث می کنند. ما هم در اینجا به طور اختصار نکاتی را به این شیوه درباره این روایت شریف بیان می کنیم.

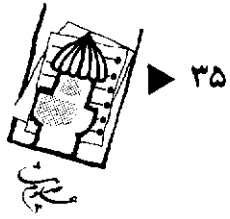
بررسی سند

این حدیث در بین علمای شیعه و سنی، مشهور و معروف، بلکه متواتر معنوی^۳ است و نیاز به بحث و تحقیق بیشتر ندارد. کسانی که می خواهند بیشتر درباره سند این

۱. راهبرد اهل سنت، ص ۳۳۰؛ بحار الانوار، ج ۲۹، ص ۳۳۷.

۲. امالی مفید، ص ۲۶۰؛ بحار الانوار، ج ۲۸، ص ۳۰۳ و ج ۴۳، ص ۲۳ و ۳۹؛ امالی شیخ طوسی، ص ۲۴؛ مناقب آل ابی طالب، ح ۳، ص ۱۱۲.

۳. مشکاة المصابیح، ص ۵۶۸؛ زیادة البیان اردبیلی، ص ۱۸۹.



روایت تحقیق کنند، می توانند به الغدیر^۴ مراجعه نمایند.

الفاظ، دلالت و متن حدیث

این روایت شریف با الفاظ گوناگون از پیامبر گرامی (ص) نقل شده است.

۱- فاطمة بضعة^۵ منی فمن اغضبها اغضبنی^۶.

۲- انما فاطمة بضعة منی يؤذینی ما اذاها.^۸

۳- انها بضعة منی یرینی ما رابها و يؤذینی ما اذاها.^۹

۴- انها بضعة منی یغضبنی ما یغضبها.^{۱۰}

۴. الغدیر، ج ۲، ص ۲۰ و ۱۰۹ و ج ۷، ص ۱۷۴ و ۲۳۱ و ج ۹، ص ۳۸۷.

۵. همه ارباب لغت اتفاق دارند که «بضعة» با فتحه - به معنای قطعه است و گاهی با کسره خوانده

می شود. علمای لغت تصریح کرده اند که «بضعة» قطعه ای از گوشت است. جمهرة اللغة، ج ۱،

ص ۳۹۵؛ معجم مقاییس اللغة، ج ۱، ص ۲۵۵؛ النهایة، ج ۱، ص ۳۵۷ و ج ۵، ص ۶۲؛

بحار الانوار، ج ۲۹، ص ۳۲ و ۳۳۵.

۶. سهیلی، یکی از علمای اهل سنت در الروض الانف، ج ۲، ص ۱۹۶ می گوید:

این حدیث دلالت دارد بر اینکه هر کس حضرت زهرا(س) را سب کند کافر شده است و کسی که

صلوات بر او بفرستد صلوات و درود بر پدر او یعنی پیغمبر گرامی (ص) فرستاده است.

قسطلانی (ارشاد الساری، ج ۱، ص ۵۹۶) گفته است:

طبق این حدیث، هر کس زهرا(س) را اذیت کند، پیغمبر گرامی (ص) را اذیت نموده و اذیت پیغمبر(ص)

حرام است و همه بر این مطلب اتفاق دارند.

۷. صحیح بخاری، ج ۴، ص ۲۱۰؛ صحیح بخاری، ج ۵، ص ۳۶؛ صحیح بخاری، جزء ۷، باب

فضائل فاطمه(س)، ح ۲۹.

۸. صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۹۰۲، باب ۱۵، ح ۹۵ و ۹۴ و ۹۳؛ صحیح مسلم، جزء ۷، باب فضائل

زهرا(س)، ج ۱۴۱، ۱۴۳؛ صحیح بخاری، جزء ۱۵، باب مناقب فاطمه(س)، ح ۲۹.

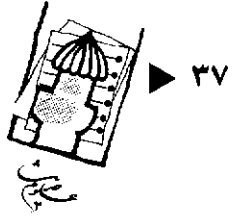
۹. سنن ترمذی، ج ۵، ص ۶۰۵، ح ۳۸۶۷.

۱۰. الشفاء، ج ۲، ص ۳۰۸.



- ۵- فاطمة سجّته^{۱۱} منى یسطنی ما یسطها و یقبضنی ما یقبضها. ۱۲
- ۶- انما فاطمه ابنتی بضعة منی یوذنی ما اذاها و ینصبنی ما انصبها. ۱۳
- ۷- انما فاطمه ابنتی بضعة منی یریننی ما رابها و یوذنی ما اذاها. ۱۴
- ۸- فامضعة^{۱۵} منی. ۱۶
- ۹- انها فاطمة بضعة منی. ۱۷
- ۱۰- إن فاطمة منی. ۱۸
- ۱۱- فاطمة بضعة منی یقبضنی ما یقبضها و یسطنی ما یسطها. ۱۹
- ۱۲- فانما ابنتی بضعة منی. ۲۰
- ۱۳- إن فاطمة جزء منی. ۲۱
- ۱۴- انما فاطمة بضعة منی ما اذاها آذانی و ما رابها رابنی. ۲۲
- ۱۵- انما فاطمة بضعة منی یسرنی ما یسرّها. ۲۳

۱۱. «سجّته» یعنی قسمتی از چیزی. لسان العرب، ج ۷، ص ۳۹.
۱۲. مسند امام احمد، ج ۴، ص ۳۲۲؛ مناقب شهر آشوب، ج ۳، ص ۱۱۲.
۱۳. سنن ترمذی، ج ۵، ص ۶۹۸، ج ۳۸۶۹؛ الصواعق المحرقة، ص ۱۱۴.
۱۴. حلیة الاولیاء، ابی نعیم، ج ۲، ص ۴۰.
۱۵. «المضغة»: قطعه‌ای از گوشت. نه‌ایة ابن اثیر، ج ۴، ص ۳۳۹.
۱۶. مسند احمد، ج ۴، ص ۳۲۳.
۱۷. مسند احمد، ج ۴، ص ۵.
۱۸. الجامع فی الملل و معرفة الرجال، احمد بن حنبل، ج ۲، ص ۲۲۲.
۱۹. المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۵۸.
۲۰. مسند احمد، ج ۴، ص ۳۲۸.
۲۱. الجمع بین الصحیحین البخاری و مسلم، صافانی، ص ۱۲۱، ج ۳۵۱.
۲۲. نظم در السمطین، زرنندی، ص ۱۷۶.
۲۳. الصواعق المحرقة، ابن حجر، ص ۲۳۰.



- ١٦ - انما فاطمة بضعة مني يؤذيني ما اذاها ويغضبني ما اغضبها. ٢٤
- ١٧ - انما فاطمة بضعة مني يريني ما رابها. ٢٥
- ١٨ - فاطمة بضعة مني من اذاها فقد آذاني. ٢٦
- ١٩ - فهى فاطمة بنت محمد(ص) وهى بضعة مني وهى قلبي وروحي التي بين جنبي .

- فمن آذاها فقد آذاني و من آذاني فقد آذى الله. ٢٧
- ٢٠ - فان فاطمة بضعة مني يؤلمني ما يؤلمها ويسرني ما يسرها. ٢٨
- ٢١ - انما فاطمه حذية مني يقضبني ما يقضبها. ٢٩
- ٢٢ - ان فاطمة بضعة مني فمن آذاها فقد آذاني و من سرها فقد سرتني و من غاظها فقد غاظني. ٣٠
- ٢٣ - ان فاطمة بضعة مني وهى نور عيني و ثمرة فؤادي يسوءني ما سائها ويسرني ما سرها. ٣١
- ٢٤ - انما فاطمة بضعة مني من آذاها فقد آذاني و من احبها فقد احبني و من سرها فقد سرتني. ٣٢

٢٤ . معجم الصحابة، ص ١٤١، به نقل از احقاق الحق، ج ١٠، ص ٢٠٥ .

٢٥ . انساب الاشراف، بلاذري، ج ١، ص ٤٠٣ .

٢٦ . السنن الكبرى، بيهقي، ج ١٠، ص ٢٠١ .

٢٧ . فصول المهمة، ابن صباغ المالكي، ص ١٤٦ .

٢٨ . المناقب، خوارزمي، ص ٣٥٣ .

٢٩ . النهاية في غريب الحديث والاثار، ابن اثير، ج ١، ص ٣٥٧ .

٣٠ . امالي شيخ صدوق، ص ١٦٥ .

٣١ . روضة الواعظين، نشابوري، ص ١٤٩ .

٣٢ . تنزيه الانبياء، سيد مرتضى، ص ٢١٢ .



٢٥- إن فاطمة بضعة منى وانا اكره إن تحزن أو تغضب . ٣٣

٢٦- إن الله يغضب لغضب فاطمة و يرضى لرضاها . ٣٤

٢٧- إن فاطمة بضعة منى وانا منها فمن أذاها فقد أذانى و من أذانى فقد أذى الله و من

أذاها بعد موتى كان كمن أذاها في حياتى و من أذاها في حياتى كان كمن أذاها

بعد موتى . ٣٥

٢٨- رضا فاطمة من رضاي و سخطها من سخطى . من أرضاها فقد أرضانى و من

سخطها فقد أسخطنى . ٣٦

به طور اختصار، مصادر حديث نبوى «فاطمة بضعة منى» را از كتابهاى شيعه و سنى

ذكر مى كنيم:



مصادر شيعه

١- الغدير، ج ٢، ص ٢٧٥، ج ٣، ص ٣٠، ١٠٩، ج ٧، ص ١٧٤، ٢٣١، ج ٩،

ص ٣٨٧.

٢- امالى شيخ مفيد، ص ٢٦٠.

٣- امالى شيخ طوسى، ص ٢٤.

٤- مناقب شهر آشوب، ج ٣، ص ١١٢.

٥- الطرائف ابن طاووس، ص ٣٨٤، ٣٨٨.

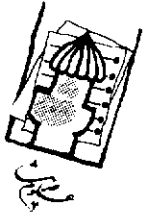
٦- ذخائر العقبى - احمد بن الطبرى، ص ٣٧.

٣٣. المصنف، عبدالرزاق الصنعانى، ج ٧، ص ٣٠١-٣٠٢، خصائص امير المؤمنين (ع)، نسائى، ص ١٢١.

٣٤. بحار الانوار، ج ٢١، ص ٢٧٩ و ج ٣٠، ص ٣٤٧ و ج ٤٣، ص ٢٣.

٣٥. علل الشرائع، ج ١، ص ١٨٦-١٨٧.

٣٦. الصراط المستقيم، ج ٢، ص ٢٩٢.



- ۷- النص والاجتهاد- شرف الدين، ص ۸۸ ، ۵۱۳ .
- ۸- مستدرک سفینه البحار، ج ۸ ، ص ۲۳۴ .
- ۹- اضواء علی الصحیحین، ص ۳۴۵ .
- ۱۰- علل الشرائع، ج ۱، ص ۱۸۶ .
- ۱۱- کفایة الاثر، ص ۶۵ .
- ۱۲- قواعد الاحکام، ج ۱، ص ۱۲۲ .
- ۱۳- بحار الانوار، ج ۲۷، ص ۶۲ .

مصادر اهل سنت

- ۱- مسند احمد، ج ۴، ص ۳۲۶ .
- ۲- صحیح بخاری، ج ۴، ص ۲۱۰، ۲۱۲ و ج ۱، ص ۵۳۲ .
- ۳- صحیح مسلم، ج ۷، ص ۱۴۱ .
- ۴- سنن الترمذی، ج ۵، ص ۳۶۰ .
- ۵- المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۵۸ .
- ۶- سنن الکبری، ج ۱۰، ص ۲۰۱ ؛ بیهقی، ج ۵، ص ۱۴۷ .
- ۷- المصنف، ج ۷، ص ۳۰۱، عبدالرزاق .
- ۸- شرح نهج البلاغه لابن ابي الحديد، ج ۴، ص ۶۴، ج ۱۳، ص ۳۶، ج ۱۶، ص ۲۷۳، ۲۷۸ .
- ۹- الجامع الصغير، ج ۱، ص ۲۰۸ .
- ۱۰- المناقب خوارزمی، ص ۳۵۳ .
- ۱۱- سبیل الهدی و الرشاد، ج ۱۰، ص ۲۳۷ .
- ۱۲- سنن الترمذی، ج ۵، ص ۶۹۸، ج ۳۹۶۷ .



- ۱۳- صفة الصفوة، ج ۲، ص ۱۳.
 ۱۴- اسد الغابة، ج ۵، ص ۵۲۱.
 ۱۵- تذكرة الخواص، ص ۲۷۹.
 ۱۶- ذخائر العقبی، ص ۳۷.
 ۱۷- حلیة الاولیاء، ج ۲، ص ۴۰.
 ۱۸- ینایع المودة، ج ۲، ص ۵۲، ۵۳، ۹۷.

شان نزول حدیث

اکنون باید اشاره کنیم که این حدیث از پیامبر گرامی (ص) در چه مناسبت‌هایی نقل شده است و به طور خلاصه شان نزول این حدیث در چه مواردی بوده است.

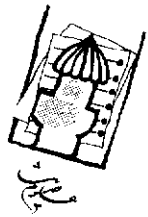
۱- یکی از آن مناسبت‌ها این است که روزی علی (ع) از پیغمبر گرامی (ص) سؤال کرد: چه چیزی برای زنها بهتر است؟ حضرت سکوت نمودند و وقتی فاطمه (س) آمد، از حضرت زهرا (س) سؤال کردند چه چیزی برای زنها بهتر است. حضرت زهرا (س) فرمود: اینکه مردها او را مشاهده نکنند. در این موقع، حضرت پیغمبر (ص) فرمودند: فاطمة بضعة منی؛^{۳۷} یعنی فاطمه پاره تن من است.

۲- دومین مورد وقتی بود که ابولبابه برای قبول شدن توبه خود، خود را به ستون بسته بود. پس آیه توبه نازل شد که توبه ابولبابه مقبول است. حضرت زهرا (س) خواستند او را از ستون باز کنند. ابولبابه گفت: من قسم خورده‌ام که کسی جز رسول خدا (ص) مرا باز نکند.

پس پیغمبر گرامی این جمله را فرمودند: «ان فاطمة بضعة منی».^{۳۸}

۳۷. سیل الهدی والرشاد فی سیرة خیر العباد، محمد بن یوسف الصالحی الشامی، ج ۱۱، ص ۴۵.

۳۸. الروض الانقب، سهیلی، ج ۲، ص ۱۹۶.



۳- سومین مورد جایی بود که وقتی پیامبر گرامی خواستند فاطمه (س) را معرفی کنند، فرمودند: «هی بضعة منی». روایت از ابن صباغ مالکی از مجاهد است:

خرج النبی (ص) و هو اخذ بيد فاطمة فقال: من عرف هذه فقد عرفها و من لم يعرفها فهی فاطمة بنت محمد و هی بضعة منی و هی قلبی و روحی التی بین جنبی. ۳۹.

۴- چهارمین مورد در شب عروسی فاطمه (س) بود که حضرت این جمله را فرمود. حضرت پیامبر (ص) «به حضرت زهرا» خطاب کرد و فرمود: ای دخترم، علی (ع) خوب شوهری است. با او مخالفت نکن. سپس به علی (ع) خطاب کردند فرمودند: یا علی (ع)، داخل خانه خود شو و با همسرت با مهر و محبت رفتار کن. سپس این جمله را فرمودند: «ان فاطمة بضعة منی، یؤلمنی ما یؤلمها و یسرّنی ما یسرّها». مناقب خوارزمی، ص ۳۵۳.

۵- پنجمین مورد را اهل سنت ذکر کرده اند: روزی علی (ع) برای خواستگاری دختر ابوجهل پیش او رفت و حضرت پیغمبر (ص) فرمود: «ان فاطمة منی...». علمای اهل سنت گفته اند: این خبر در باره علی (ع) رسیده است. چون او خواست دختر ابی جهل را به عقد ازدواج گیرد، رسول خدا (ص) بر او غضبناک شد و فرمود «هر کس فاطمه را اذیت کند...» ۴۰.

بر این مورد اشکالات بسیار وارد شده است که در اینجا به برخی از آنها اشاره می کنیم.

۱- خود علمای اهل سنت گفته اند که علی (ع) مشمول آیه تطهیر است و طهارت ذاتی دارد، یعنی از هر رجس و پلیدی و لهو و لعب و اخلاق رذیله منزّه و میراست.

۳۹. الفصول المهمة في معرفة الائمة، ص ۱۴۶.

۴۰. مستدرک الحاكم، ج ۳، ص ۱۵۸؛ صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۹۰۳، کتاب فضائل الصحابة، ح ۹۵.



و دیگر آنکه در آیه مباهله خداوند او را به منزله نفس پیامبر (ص) خوانده است. از طرف دیگر، او باب علم رسول الله بوده و این همه در کتابهای اهل سنت بیان شده است.

بنابراین، چگونه ممکن است عقل باور کند که آن حضرت عملی انجام دهد که به واسطه افعال و گفتار او رسول خدا (ص) غضبناک گردد؟ چگونه عقل باور می کند که مجسمه «اخلاق عظیم» بر کسی که محبوب خداست غضب کند؛ آن هم در امر مباحی که خدا در قرآن مجید در آن تبعیضی قائل نشده است. امر نکاح به حکم آیه سوم سوره نساء: «فانکحوا ما طاب لکم من النساء مثنی و ثلاث و رباع»، بین انبیاء و اوصیاء و جمیع امت یکسان است. اگر بر فرض علی (ع) چنین خیالی می کرد که زن دیگر بگیرد، طبق قرآن بر او جائز بود. رسول اکرم (ص) نیز برای یک امر مباح هرگز غضب نمی نمود و چنین کلماتی نمی فرمود.^{۴۱}

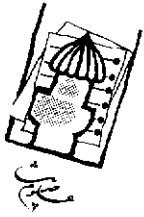
پس هر انسان عاقل بعد از تفکر درک می کند که این حدیث از موضوعات و ساخته های امویها می باشد که اکابر علمای اهل سنت هم به این امر اعتراف کرده اند.^{۴۲} ابن ابی الحدید^{۴۳} از شیخ و استاد خود، ابی جعفر اسکافی بغدادی، نقل می کند که او گوید: معاویه بن ابی سفیان جمعی از صحابه و تابعین را معین کرده بود که بر ضد علی (ع) اخباری جعل کنند و آن حضرت را مورد طعن و مذمت قرار دهند تا مردم از آن حضرت بیزار می بجویند.

از جمله این کسان ابوهریره، عمرو بن عاص، مغیره بن شعبه و عروة بن زبیرند.

۴۱. اگرچه از اخبار شیعه استفاده می شود که بر علی (ع) جایز نبوده است در حیات فاطمه زنی دیگر اختیار کند.

۴۲. شبهای پیشاور، ص ۷۱۳.

۴۳. شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۴، ص ۶۴.



ابوهریره کسی است که حدیث خواستگاری علی (ع) را از ابوجهل روایت کرده است. آن گاه ابوجعفر اسکافی گوید: این حدیث مشهور است به روایت کرایسی؛ به این معنا که هر روایت بی اساس را کرایسی می خوانند. ابن ابی الحدید گوید: این حدیث در صحیحین بخاری و مسلم از مسور بن مخرمه الزحر، روایت شده است.

و سید مرتضی در کتاب تنزیه الانبیاء گوید: این روایت از حسین کرایسی رسیده و او مشهور است به انحراف از اهل بیت و از نواصب و دشمنان بزرگ آن خاندان بوده است؛ زیرا بنا بر اخبار فراوان در کتابهای اهل سنت، دشمن علی منافق است و منافق به حکم قرآن اهل آتش شمرده می شود، پس روایت او مردود است.

همچنین اخبار در مذمت ایذاکنندگان فاطمه (س) اختصاص به نقل از کرایسی یا ابوهریره ندارد، بلکه اخبار بسیاری در این موضوع وارد است. از جمله خواجه پارسای بخاری در فصل الخطاب و امام احمد بن حنبل در مسند و میر سید علی همدانی شافعی در مودت سیزدهم از مودة القرینی، حدیثی از سلمان محمدی نقل نموده اند که پیامبر (ص) فرمود: «دوستی فاطمه در صد جا نفع می بخشد. پس کسی که دختر من فاطمه از او راضی باشد، من از او راضی ام و کسی که من از او راضی باشم، خدا... و کسی که فاطمه بر او غضب نماید من بر او غضبناک می باشم و بر هر کس من غضبناک باشم خداوند بر او غضبناک است. وای بر آن کس که ظلم کند به فاطمه...»^{۴۴}

۲- اشکال دیگر این است که در متن این روایات، اختلافهای بسیاری وجود دارد. در یک جا آمده است که علی (ع) به خواستگاری دختر ابوجهل برای عموی خود حارث بن هشام رفت و بعد حضرت این جمله را فرمود.^{۴۵} در روایت دیگر از مسور بن مخرمه آمده

۴۴. شبهای پشاور، ص ۷۰۵.

۴۵. الحاکم، ج ۳، ص ۱۵۸.



است که علی (ع) به خواستگاری دختر ابوجهل برای خود رفت . ۴۶

۳- این جمله که در روایت آمده است علی (ع) پیامبر (ص) را غضبناک کرد، با این

روایت که از علی (ع) روایت شده است مناسبت ندارد . علی (ع) فرمود :

فوالله ما اغضبتها ولا اكرهتها علي امر حتى قبضها الله عزوجل اليه ولا

اغضبتنى ولا عصت لى امراً . ۴۷

۴- طبق آنچه در روایت از شیخ صدوق^{۴۸} نقل شده، خود علی (ع) این مطلب را

تکذیب کرده است . امام صادق (ع)^{۴۹} نیز این مطلب را که علی (ع) پیامبر (ص) را غضبناک نموده باشد نفی کرده اند .

۵- بر طبق یک گزارش، ابن عباس با عمر بحث کرده و به او گفته است : علی (ع)

پیامبر (ص) را به غضب نیاورد و هیچ گونه قصد و اراده ای برای زن گرفتن نداشت و داستان خواستگاری علی (ع) از دختر ابوجهل نادرست است . عمر نیز ابن عباس را تصدیق کرد^{۵۰} و گفت : تو درست می گویی .

۶- چگونه پیامبر (ص) در این حدیث دختر ابوجهل را دختر دشمن خدا خوانده و

ابوجهل را سب کرده است و حال آنکه خود فرموده است : مرده را سب نکنید، چون باعث اذیت زنده می شود . ۵۱

۷- مسور بن مخرمه که راوی حدیث است، در سال دوم هجرت متولد شده است .

۴۶ . صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۹۰۳ .

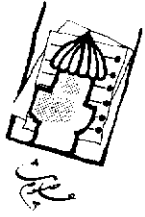
۴۷ . کشف الغمة، اربلی، ج ۱، ص ۳۷۳ .

۴۸ . علل الشرائع، ص ۱۸۵، ب ۱۴۹، ح ۲ .

۴۹ . امالی صدوق، ص ۹۱، المجلس ۲۲، ح ۳ .

۵۰ . الصحیح من سیرة النبی الاعظم، ج ۴، ص ۵۶ .

۵۱ . همان .



پس چگونه او می گوید: من شنیدم که پیامبر (ص) بر روی منبر این مطلب را فرمود، درحالی که من جنب بودم. چگونه می شود که یک طفل محتمل باشد؟ برخی این احتلام^{۵۲} را توجیه به کمال عقل کرده اند، ولی این مطلب مخالف لغت و عرف است چون در عرف کسی طفل شش ساله را محتمل نمی خواند.^{۵۳}

برخی از بزرگان به یاری حدیث «فاطمة بضعة منی»، معصوم بودن حضرت زهرا(س) را اثبات کرده اند. بنا به گفته آنان، پیامبر (ص) به طور مطلق فرموده است: هر کس زهرا(س) را اذیت کند، مرا اذیت کرده است. از این سخن روشن می شود که حضرت زهرا(س) هرگز گناه نمی کند؛ زیرا در غیر این صورت، پیامبر (ص) این مطلب کلی را درباره حضرت زهرا(س) نمی فرمود.^{۵۴} برخی بر این حدیث ایرادی وارد آورده اند. به گمان آنان، شاید این حدیث انصراف به این مطلب داشته باشد که هر کس زهرا(س) را از سر ظلم اذیت و آزار کند، پیامبر (ص) را اذیت کرده است و کسی که آن حضرت را در مسیر عبادت خشنود کند، پیامبر (ص) را خشنود کرده است. به گمان این گروه، پیامبر (ص) سخنی کلی را نفرموده، بلکه آن را مقید کرده است. تخصیص عموم نیز فراوان است و بسیاری از عموماً به مورد متعارف منصرف می شوند.

این اشکال پاسخهای متفاوتی دارد که در اینجا به برخی از آنها اشاره می کنیم. تخصیص، خلاف اصل و قاعده است و ما تنها در صورت وجود دلیل می توانیم به تخصیص قائل شویم. در این مورد خاص هم هیچ دلیلی وجود ندارد. از سوی دیگر، بر اساس بیانی که در اشکال گذشت، روشن می شود که فاطمه (س) مزیت خاصی بر

۵۲. فتح الباری، ج ۹، ص ۲۸۶.

۵۳. الصحيح من سيرة النبي الاعظم (ص)، ج ۴، ص ۶۰.

۵۴. بحار الانوار، ج ۲۹، ص ۳۳۹.



دیگر مسلمانان ندارد، بلکه مانند آنان است. این سخن نیز از چند جهت نادرست است.

۱- اگر زهرا(س) همانند سایر مسلمانان باشد، سخن پیامبر(ص) درباره او بی معنا خواهد بود. در این حال، پیامبر(ص) نمی توانست بگوید: هر کس زهرا(س) را اذیت کند، مرا اذیت کرده است.

۲- اگر کسی چنین توجیه کند، لازم می آید که پیامبر(ص) گفتاری بی فایده فرموده باشد؛ زیرا معنای این سخن آن است که زهرا(س) نیز همانند دیگر مسلمانان است. در این حال، کسی که اهل حکمت و معرفت باشد نیز چنین سخنی را بر زبان نمی آورد؛ چه رسد به پیامبر خدا(ص). اما می بینیم که علمای اهل سنت، این روایت را در باب فضایل حضرت زهرا(س) آورده اند.

۳- اهل سنت، خود، می گویند: بر اساس قرآن، ازدواج با چهار زن اشکال ندارد، ولی پیامبر(ص) برای علی(ع) حرام کرده بود که در زمان حیات زهرا(س) با زنی دیگر ازدواج کند. پیامبر فرموده است: این از آن روست که زهرا(س) اذیت می شود. از این سخن برخی از اهل سنت روشن می شود که اذیت زهرا(س) مطلقاً حرام است و به شرایط خاص انصراف نمی یابد. ۵۵

